



doi: 10.22034/icrs.2025.522471.1333

نشریه علمی علم و تمدن در اسلام

سال ششم / شماره بیست و سوم / بهار ۱۴۰۴

تأثیر آموزه‌های اسلامی در طراحی شهری و معماری مسکونی سکونتگاه‌های گذشته؛

مطالعه موردی قلعه مورچه خورت اصفهان

عباسعلی احمدی^۱/ سید مجتبی جلالی^۲

چکیده

معماری و بافت‌های مسکونی دوره اسلامی تحت تأثیر عواملی چون؛ شرایط جغرافیایی، ویژگی‌های دوره‌ای، مقاصد سیاسی، بنیه اقتصادی، فن‌آوری و آداب و رسوم اجتماعی اشکال متفاوتی یافته است. علیرغم این موضوع، وجوه اشتراک و تشابهات زیادی در این فضاها دیده می‌شود که برگرفته از روح، اندیشه و اعتقادات اسلامی بوده و بر همین اساس وصف اسلامی بر این آثار اطلاق گردیده است. امروزه به واسطه عوامل مختلفی نظیر: تخریب، نوسازی، تأثیر مدرنیسم و تمدن غرب، مصادیق این اندیشه در حال محو شدن از کلیت فضاهای شهری و مسکونی دوره اسلامی بوده است. به منظور شناخت این مصادیق در مقاله حاضر، قلعه مورچه‌خورت واقع در ۵۰ کیلومتری شمال اصفهان که به واسطه عدم نوسازی و تخریب فضاها، هویت و اصالت اولیه خود را حفظ کرده و از این حیث نمونه‌ای سالم و کم نظیر محسوب گشته به عنوان مطالعه موردی، کانون توجه و تحقیق قرار گرفته است. روش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی بوده و یافته‌های آن عمدتاً بر اساس داده‌های بدست آمده از بررسی‌های میدانی استوار گردیده است. بر اساس نتایج حاصل از این تحقیق، اندیشه و اعتقادات اسلامی با مصادیقی همچون؛ انسجام درون شهری، حسن همجواری، سازگاری با محیط، صیانت از حریم خصوصی و توجه عمیق به شعائر الهی در وجوه مختلف فضاهای شهری مورچه‌خورت از قبیل اشکال، کیفیت و کمیت معابر ارتباطی، پلان، جهت ساختمانی، جهت ورودی، ترکیب بندی ورودی، چگونگی تزیینات بکار رفته در منازل مسکونی و نوع و نحوه ارتباطات فضایی و سازمان فضایی، تأثیرات اساسی و تعیین کننده‌ای داشته است.

واژه‌های کلیدی: قلعه مورچه خورت، بافت شهری، معماری اسلامی، تحلیل کالبدی، آموزه‌های دینی.

۱. دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران. (نویسنده مسئول)

a.ahmadi@sku.ac.ir

۲. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران. s.m.jalali@sku.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۳ نوع مقاله: پژوهشی (۱۸۱-۱۴۷)

The influence of Islamic teachings on urban design and residential architecture of past settlements; a case study of Morchekhort Castle in Isfahan

Abbasali Ahmadi ¹

Sayyed mojtaba jalali ²

Abstract

The architecture and residential structures of the Islamic period have taken different forms under the influence of factors such as geographical conditions, period characteristics, political objectives, economic strength, technology and social customs. Despite this, many commonalities and similarities can be seen in these spaces, which are derived from the spirit, thought and beliefs of Islam, and on this basis, the Islamic description has been applied to these works. Today, due to various factors such as: destruction, renovation, the influence of modernism and Western civilization, examples of this idea have been disappearing from the totality of urban and residential spaces of the Islamic period. In order to identify these examples in the present article, the Morchekhort Castle, located 50 kilometers north of Isfahan, which has preserved its original identity and authenticity due to the lack of renovation and destruction of the spaces and is considered a healthy and unique example in this regard, has been the focus of attention and research as a case study. The method used in this study is descriptive-analytical and its findings are mainly based on data obtained from field surveys. According to the results of this study, Islamic thought and beliefs, such as; inner-city cohesion, good neighborliness, compatibility with the environment (economic limitations), protection of privacy, and deep attention to divine rituals, have had fundamental and decisive effects on various aspects of Ant-eating urban spaces such as the shapes, quality, and quantity of communication passages, plan, building direction, entrance direction, entrance composition, the type of decorations used in residential houses, and the type and manner of spatial communications and spatial organization.

Keywords: Morchekhort Castle, urban fabric, Islamic architecture, physical analysis, religious teachings.

1. Associate Professor, Department of Archaeology, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord University, Shahrekord, Iran. (Corresponding author) a.ahmadi@sku.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord University, Shahrekord, Iran. s.m.jalali@sku.ac.ir

مقدمه

محققان معاصر همواره مراکز شهری و انواع سکونتگاه‌های قرون گذشته اسلامی را با دیدگاه‌های متفاوتی مورد بررسی و مطالعه قرار داده‌اند. در این بین برخی چگونگی اینگونه فضاها را حاصل فرهنگ و تمدن اسلامی و در ارتباط با آن دانسته و بر این اساس قائل به وجود ویژگی‌های خاص اسلامی در این فضاها شده‌اند و برخی دیگر آن را تقلید و تکرار کاربست اصول شهرهای گذشته تمدن‌های ایران، یونان و روم دانسته و بر این اساس مفهوم شهر، شهرنشینی و وجود ویژگی‌های خاص در فضاهای شهری و مسکونی دوره اسلامی و اطلاق صفت اسلامی بر آن را کتمان کرده‌اند (باقری، ۱۳۸۶: ۱۶-۱۳). اسلام با ظهور خویش نه تنها به عنوان دینی با دستورالعمل‌های صرف مذهبی بلکه به عنوان یک جهان بینی شکل دهنده جامعه، در بردارنده زوایای زندگی اشخاص در ابعاد فردی و اجتماعی و از جمله فضاهای شهری و مسکونی بوده است؛ بر همین اساس با وجود تأثیرپذیری از سکونتگاه‌های تمدن‌های گذشته و سایر موارد، فضاهای شهری این دوران در زمینه‌های دینی، اجتماعی، سیاسی و ساختاری، از ویژگی‌های خاص خود برخوردار بوده و هویت مستقلی را ارایه می‌کند. پژوهش‌های انجام شده توسط محققانی همچون پائولو کوننو (کوننو، ۱۳۸۴) و محمد عبدالستار عثمان (عثمان، ۱۳۷۶) حاکی از وجود رابطه‌ای عمیق مابین فضاهای شهری و مسکونی سرزمین‌های اسلامی و اصول شریعت اسلام و احکام آن بوده است. اصول و احکامی که در قالب آیات قرآن کریم، احادیث پیامبر (ص)، احادیث ائمه اطهار (ع) و متون فقهی تبلور یافته است. امروزه بسیاری از سکونتگاه‌های دوران اسلامی اعم از شهر و روستا بنا به دلایل گوناگون تخریب و مدفون گردیده و اثری از آن بر جای نمانده است. نمونه‌های موجود نیز بیش‌تر یا در قالب کاوش‌های باستان‌شناسی بدست آمده و یا شامل تک بناهایی است که در مراکز مسکونی معاصر باقی مانده است. از آنجا که نمونه‌های اخیر اغلب به شکلی ناقص بدست ما رسیده و تنها ارایه‌کننده ویژگی‌های بناهای شاخص و خاص آن دوره‌ها بوده و نشان کمتری از کلیت فضاهای شهری و سایر بناها در آن دیده می‌شود، ضرورت توجه به فضاهای بکر و دست نخورده دوران گذشته، بیش از پیش مشخص می‌گردد. قلعه مورچه خورت از جمله سکونتگاه‌های دسته اخیر است که کمترین میزان دخل و تصرف و تخریب در فضاهای آن صورت گرفته و از این رو مکان مناسبی جهت بررسی مصادیق ظهور و بروز اندیشه

اسلامی در فضاهای شهری و بافت مسکونی آن بوده و در تحقیق حاضر کانون توجه و مطالعه بوده است.

سؤال اصلی این پژوهش مبنی بر آن است که آیا میان مفاهیم و اندیشه‌های آیین اسلام و چگونگی فضاهای معماری و بافت‌های مسکونی دوران اسلامی ارتباط معناداری وجود دارد؟ به دنبال این سؤال با توجه به بررسی فضاهای مورچه خورت به عنوان مطالعه موردی، فرضیه‌ای بدین مضمون شکل گرفته که با وجود تأثیرپذیری از عواملی همچون؛ شرایط محیطی، اقتصادی، سیاسی، کاربردی، سبک‌های مرسوم و ویژگی‌های دوره‌ای، وجوه اشتراک و تشابهات زیادی در این فضاها دیده می‌شود که به نظر می‌رسد برگرفته از روح، اندیشه و اعتقادات اسلامی بوده و بر همین اساس صفت اسلامی بر آن اطلاق گردیده است.

پژوهش پیش روی بر مبنای بررسی‌های میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای انجام گردیده و روش مورد استفاده در آن توصیفی-تحلیلی است. در بررسی‌های میدانی، تمرکز اصلی بر شناسایی و توصیف آثار برجای مانده مورچه خورت به شیوه پیمایشی و تبدیل آن به توصیفات کمی بوده و در مرحله مطالعات کتابخانه‌ای با توجه به اهداف مورد نظر، نوشته‌های کهن و پاره‌ای تحقیقات معاصر مورد استفاده قرار گرفته است. با توجه به آنکه عوامل متعددی بر سکونت‌گاه‌های گذشته تأثیر داشته که گاه‌ها به صورت چندگانه، نتایج مشابهی را به دنبال آورده است و همچنین به منظور پرهیز از پراکنده‌گویی، آشفتگی مبحث و پی‌گیری خطوط اصلی فرضیه تحقیق، تعداد ۵ اصل از مظاهر بروز اندیشه اسلامی در سکونت‌گاه‌های دوران اسلامی و از جمله مورچه‌خورت مورد توجه بوده است. به طور قطع عوامل متعدد دیگری در کمیت، کیفیت، اشکال و ویژگی‌ها و شکل‌گیری فضاهای مورچه‌خورت تأثیرگذار بوده ولیکن با توجه به اهداف مورد نظر و رویکرد این تحقیق که دیدگاهی سنت‌گرا را عرضه می‌دارد، موارد یاد شده مد نظر نبوده و فضاهای شهری این مکان، تنها از منظر تأثیرپذیری از اندیشه‌های اسلام مورد مطالعه قرار گرفته است؛ چگونگی تحقق یک نظام تمدنی براساس دین در هر منطقه، نه به- صورت نظری بلکه در سیرهٔ افرادی که عملاً توانسته‌اند تمدن دینی را بنا نهند، نیازمند برخورداری از مبانی خاص و معین است (محمدی و مقادریان، ۱۴۰۱: ۹۹-۸۰). بدین منظور ابتدا چهارچوب

نظری پژوهش، آن‌گاه کلیت فضاها‌ی شهری و پیشینه تاریخی مورچه خورت و در پایان بحث و تحلیل یافته‌ها صورت گرفته است.

چهارچوب نظری پژوهش

متون دینی

متن دینی یا کتاب آسمانی به متن مقدس دینی گفته می‌شود که پیروان یک دین یا آیین آن را متن اصلی و مقدس خود می‌دانند. این متن‌ها معمولاً حاوی تعالیم و آموزه‌های دینی، تاریخ و... هستند که برای پیروان آن دین اهمیت و اعتبار خاصی دارند. متن دینی متن اصلی و اساسی یک دین است که پیروان آن دین آن را الهام‌بخش، مقدس و قانونی می‌دانند. مانند: قرآن (کتاب مقدس مسلمانان) که از جمله متون دینی هستند (B2n.ir/uu1521). علاوه بر قرآن در متون دینی مسلمانان باید به کتب روایی نیز اشاره کرد که بر اساس نظر شیعیان در کنار قرآن، الهام بخش آموزه‌های دینی است.

اصول اخلاقی

گزاره‌ها یا اصول اخلاقی، عبارتست از آموزه‌هایی که در حوزه موضوع آنها یک صفت یا فعل اختیاری لحاظ شده است و در جهت محمول آنها یکی از مفهومی‌های هفتگانه (درست، نادرست، وظیفه، خوب، بد، بایسته، نبایسته) قرار گرفته است. در مورد اصول اخلاقی، طبقه بندی‌های مختلفی وجود دارد که برخی، اصول اخلاقی قرآن را در سه حوزه و مشتمل بر: اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی و اخلاق الهی، رده‌بندی کرده‌اند (نک: مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۳۳).

رویکرد سنت گرایی

در بررسی هنر و معماری اسلامی رویکردهای مختلفی وجود دارد که یکی از آنها رویکرد سنت گرایان است که بر اساس آن محققین معتقدند، منشاء و ریشه هنر اسلامی را باید در درون اسلام کاوش کرده و سنت دینی دارای عناصر بدون زمان بوده که از حوزه تاریخی نگری خارج است. از دیدگاه ایشان هنر اسلامی بیش از آن‌که بر شرایط زیست محیطی، محیط جغرافیایی و روح دوران مبتنی باشد و بدان‌ها تقلیل یافته باشد، بر عالم معنوی (عالم پیام و حیانی)، متکی است (نک: موسوی گیلانی، ۱۳۹۰: ۹۲-۸۲).

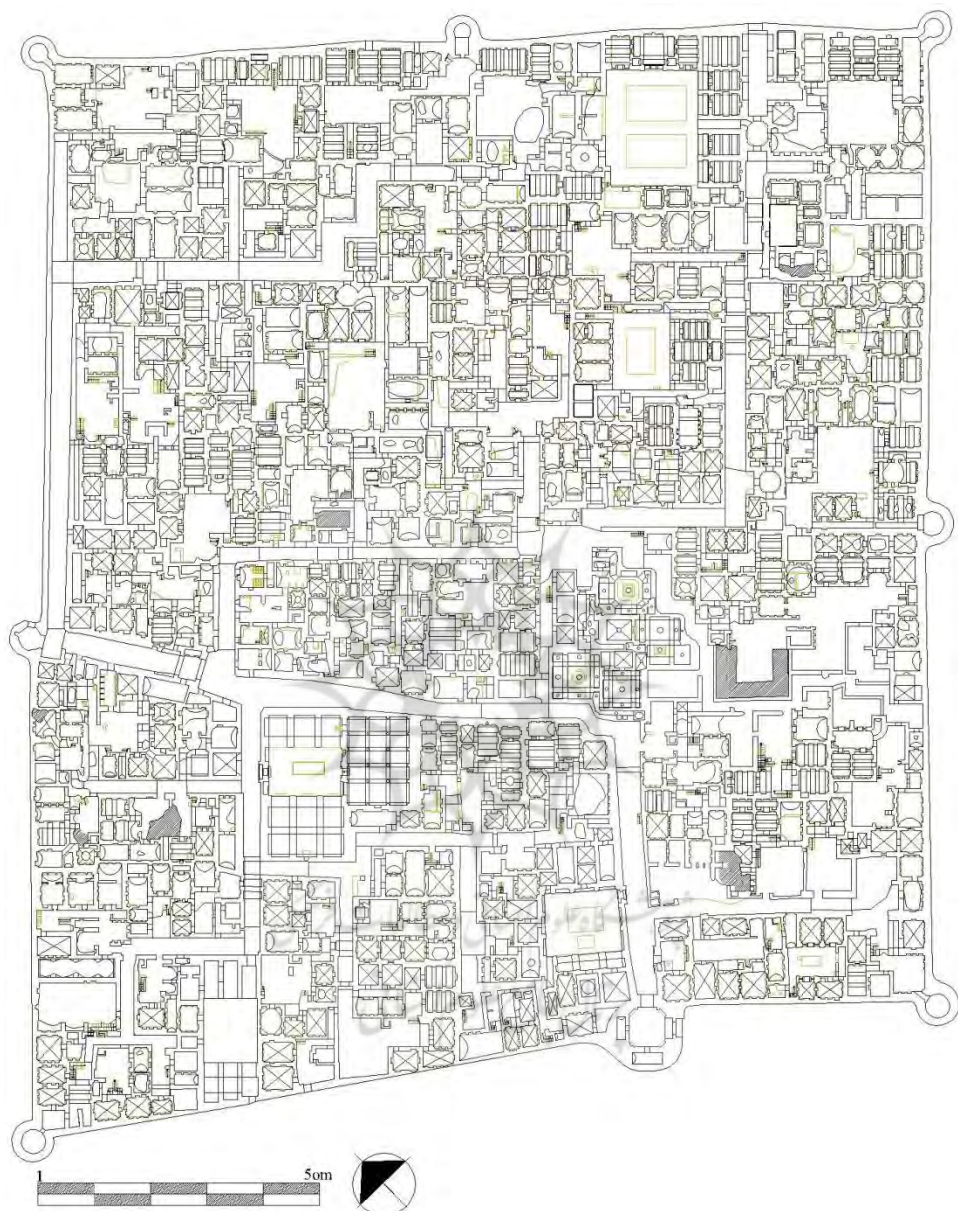
یافته‌های پژوهش

قلعه مورچه خورت

قلعه مورچه خورت به عنوان مورد مطالعاتی پژوهش حاضر در حوزه‌هایی نظیر موقعیت جغرافیایی، پیشینه تاریخی، فضاهای درون شهری و فضاهای برون شهری قابل مطالعه و بررسی است.

موقعیت جغرافیایی و پیشینه تاریخی

مورچه خورت در ۵۴ کیلومتری شمال غربی اصفهان، کنار جاده اصفهان به تهران واقع شده است. از گذشته‌های دور تا کنون مورچه خورت یکی از مناطق دشت برخوار محسوب می‌شده است. دشت برخوار در شمال شهرستان اصفهان قرار گرفته است. این منطقه از قدیم الایام به عنوان یکی از نواحی حاشیه‌ای و بلوکات اصفهان مطرح بوده است (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۹۸؛ الاصفهانی، ۱۳۶۸: ۳۰۳۰-۲۹۹) احمد بن عمر بن رسته معروف به ابن رسته جغرافی‌دان قرن سوم ه.ق برای اولین بار از مورچه خورت یاد کرده (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۱۸۶) و حمدالله مستوفی جغرافی‌دان معروف قرن هشتم ه.ق در ذکر شاهراه ری به اصفهان از مورچه خورت به عنوان مکانی بر سر این راه اشاره کرده است (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۸۴). در دوره صفوی و قاجار با توجه به قرارگیری مورچه خورت در مسیر اصفهان به مناطق شمالی کشور و رونق این مسیر در این دوران بسیاری از جهانگردان و مسافران از این مکان گذر کرده و از رونق آن یاد کرده‌اند (شاردن، ۱۳۳۶: ۹۲؛ انه، ۱۳۶۸: ۱۸۶-۱۸۰؛ کاوا، ۱۳۸۴: ۱۴۴؛ نجم‌الملک، ۱۳۴۱: ۸-۱). یکی از مهمترین وقایع رخ داده در مورچه خورت نبرد نادرشاه با اشرف افغان است که در منابع مختلف شرح آن آمده است (میرزا مهدی خان استرآبادی، ۱۳۴۱: ۱۰۶-۱۰۵) با توجه به بررسی‌های میدانی آثار برجای مانده مورچه خورت بیشتر به دوران صفوی تا قاجار تعلق دارد. فضاهای تشکیل دهنده بافت مورچه خورت در دو دسته کلی قرار می‌گیرند؛ یکی فضاهای درون شهری که در بردارنده هسته اصلی و مرکزی شهر بوده و توسط حصار و برج و باروی دفاعی محوطه‌ای به وسعت ۳ هکتار را تشکیل داده (تصویر ۱) و دیگری فضاهای برون شهری که از محوطه‌ای به وسعت ۸۶۴ هکتار در شعاع ۱ تا ۱/۵ کیلومتری پیرامون هسته مرکزی تشکیل شده است (تصویر ۲). همان‌گونه که در تصویر ۲ مشخص است، امروزه در محوطه برون شهری، بناهای دوره معاصر ایجاد گردیده است.



تصویر ۱- نقشه فضاهای درون شهری مورچه خورت (ماخذ: نگارنده اول)



تصویر ۲- نقشه پراکندگی فضاهای برون شهری مورچه خورت (ماخذ: نگارنده اول)

فضاهای درون شهری

الف) فضاهای محسوس: ۱- تأسیسات دفاعی: دورتا دور هسته مرکزی مورچه خورت با استفاده از برج و باروهای دفاعی محصور شده و فضایی مستطیل شکل را تشکیل داده است. دروازه‌های ورودی حصار مورچه خورت در برج‌های وسطی اضلاع شمالی و غربی آن تعبیه گردیده است. ۲- واحدهای مذهبی: شامل مسجد جامع مورچه خورت، مسجد حاج باقر، امامزاده علی و تکیه است که همگی در ضلع غربی فضاهای شهری مورچه خورت قرار گرفته‌اند. ۳- واحدهای عام‌المنفعه: شامل دو حمام است که در کنار یکدیگر در ناحیه مرکزی شهر قرار گرفته‌اند. ۴- واحدهای تجاری: شامل ۳۲ عدد مغازه و یک کارگاه نساجی است. از جهت موقعیت مکانی می‌توان مغازه‌ها را به دو دسته تقسیم کرد: الف. مغازه‌های منفرد که در چهار گوشه شهر پراکنده شده‌اند. ب. مغازه‌های مجتمع، که در جنب یکدیگر راسته بازار را تشکیل داده و از دروازه شمالی آغاز و به دو حمام مرکزی ختم می‌شوند. ۵- واحدهای مسکونی: در حال حاضر بقایای ۹۴ عدد واحد مسکونی مربوط به دوران صفوی تا قاجار داخل حصار شهر دیده می‌شود. واحدهای مسکونی مورچه خورت با ابعاد کمتر از 32×32 متر در نظام خرده پیمون قرار می‌گیرد. اکثر خانه‌ها از اندرونی بیرونی برخوردار نبوده و در خانه‌های دارای

اندرونی این فضا در طبقه دوم و در کنار ورودی بنا به شکل اتاق‌هایی در اطراف يك حیاط كوچك مشاهده می‌شود.

ب) فضاهای غیر محسوس: ۱- شبکه ارتباطی: شامل راه‌ها که خود بر حسب میزان اهمیت و نوع کاربری به ۴ دسته تقسیم شده و دیگری تقاطع‌ها است. ۲- شبکه آب‌رسانی: فرایند آب‌رسانی درون شهری را می‌توان در الگوی آب آشامیدنی و پساب‌های بجا مانده از بارندگی بررسی کرد. در فضاهای داخلی، آب آشامیدنی به واسطه چاه تأمین می‌شد که معمولاً در هر واحد ۱ یا ۲ عدد از آن‌ها وجود دارد. پساب‌های ناشی از بارندگی توسط جوی‌هایی به عرض ۵۰ تا ۶۰ سانتی‌متر و عمق ۵۰ سانتی-متر به خارج از شهر انتقال داده می‌شده است.

فضاهای برون شهری

الف) فضاهای محسوس: ۱- واحدهای مذهبی: شامل ۴ مقبره است که یکی از آن‌ها به نام امامزاده قاسم در فاصله ۱/۵ کیلومتری واقع شده و دیگری سه مقبره ساده و كوچك است که در سطح قبرستان مورچه خورت قرار دارد. ۲- واحدهای عام‌المنفعه: شامل ۳ کاروانسرا واقع در فاصله ۱۰۰ متری تا ۱ کیلومتری غرب و یک آب انبار و یخچال است. ۳- واحدهای تشریفاتی: در میان باغات شرقی شرقی مورچه خورت ساختمانی موسوم به باغ چال و طال مغربی وجود دارد که در سه طبقه برپا شده و با توجه به نوع فضاها و موقعیت مکانی این بنا، احتمالاً بنای حکومتی و تشریفاتی بوده است. ۴- واحدهای نظامی: تنها بنای نظامی شامل یک سربازخانه است که در فاصله ۱ کیلومتری جنوب شرقی مورچه خورت واقع شده است. ۵- واحدهای مرتبط با کشاورزی: شامل ۱ کبوترخانه، ۲ آسیاب و تعداد زیادی از باغات است که حصار خشتی آن برجای مانده است. ۶- واحدهای صنعتی: شامل ۵ کوره آجرپزی است که در فاصله يك کیلومتری شمال مورچه خورت قرار گرفته است.

ب) فضاهای غیر محسوس: ۱- شبکه ارتباطی: موقعیت مکانی مورچه خورت به گونه‌ای بود که انشعابات متعدد شاه‌ره شمال- جنوب چه آن‌هایی که از سمت شمال می‌آمد و چه آن‌هایی که از سمت جنوب و اصفهان می‌آمد، در آن شکل واحد می‌گرفت و کاروان‌های بسیاری به طور همزمان بدان می‌رسید (احمدی، ۱۳۸۵: ۹۳-۸۳). با توجه به جهت‌گیری مجموعه بناهای درون شهری و

برون شهری مورچه خورت به نظر می‌رسد شاهراه شمال- جنوب در این مکان به دو شاخه تقسیم شده؛ به طوری که یکی از مسیرها از فضای مابین حصار شهر و کاروانسرای عباسی عبور کرده و دیگری از فضای پشت باغات شرقی عبور می‌کرده است. ۲- شبکه آبرسانی: در محدوده مورد بررسی آثار ۸ قنات دیده می‌شود که با توجه به گفته‌های سالخوردگان محل ۲ عدد از آنها به مورچه خورت اختصاص داشته و بقیه مربوط به مزارع اطراف و روستاهای دیگر برخوار بوده است. ۳- مزارع: به دلیل کم آبی و خشک شدن قنات‌ها در دهه‌های اخیر کشاورزی مورچه خورت نابود شده است؛ با این وجود آن‌چنانچه از بررسی‌های سطحی، عکس‌های هوایی، گفته‌های سالخوردگان محلی و نوشته‌های جهانگردان مشخص است، کشاورزی نسبتاً مطلوبی داشته و زمین‌های آن به طور مخصوص مستعد کشت پنبه بوده است. ۴- قبرستان: قبرستان مورچه خورت محوطه‌ای دارای وسعتی با ۲ هکتار مساحت، حد فاصل ۵۰۰ متری جنوب غربی حصار شهر قرار دارد. هم اکنون تعداد بسیاری از سنگ‌های قبر دوران صفوی تا قاجار در آنجا وجود دارد.

بحث و تحلیل

بحث‌های نظری پژوهش

معماری آوردگاهی برای تبلور و ظهور حیات فردی، اجتماعی و هنجاری، نظیر: دین و اخلاق است. این موضوع سبب شده تا عوامل تأثیرگذاری در معماری با ویژگی‌های مخصوص در کالبد و معنای آن متبلور گردد. توجه داشتن به هنجارهای اخلاقی وجودی انسان و جامعه، از نیازهای کلیدی و اساسی شکل‌گیری محیط زندگی و کار انسان است. از این رو رابطه میان اخلاق، معماری و هنجارهای اجتماعی، تأمین‌کننده احتیاجات انسانی است تا از این مسیر در فضای معماری به آرامش و آرمان مورد نظر دست یابد. در عرصه تاریخ، معماران در تلاش بوده‌اند تا با شناخت این خواسته و نیاز، معماری خود را همسو و متناسب با این شکل از هنجارهای دینی خلق کنند (نک: نژاد ابراهیمی و فرشچیان، ۱۳۹۳: ۱۳۱). به منظور مشخص کردن جلوه‌های معمارانه و فضایی کرد اندیشه‌ها و اعتقادات اسلامی در قلعه مورچه‌خورت، ویژگی فضاهای این مکان در قالب داده‌های آماری و توصیفی بررسی شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته ساکنان قلعه مورچه خورت از اوایل دوره پهلوی اول به تدریج شروع به ترک قلعه کرده و عده‌ای مهاجرت و عده‌ای منازلی در خارج از قلعه برپا کرده‌اند. به منظور ارایه تحلیلی صحیح از چگونگی فضاهای قلعه و کاربری آنها از یک سو با بسیاری از ساکنان گذشته مصاحبه صورت گرفته و از سویی با پیمایش فضاها و بناها که توأم به حضور طولانی مدت در قلعه و برداشت پلان‌ها و شناخت الگوهای تغییر و دوره‌های ساختمانی همراه بوده، تا حد امکان سعی بر برداشت و شناخت علمی فضاها بوده است. از این رو نقشه‌های متعددی از قلعه تهیه گردیده است. همچنین کلیه اسناد و متون تاریخی (شامل متون جغرافیایی، سفرنامه‌ها، تواریخ محلی، تواریخ عالم، وقایع‌نامه، فرامین و نامه‌های تاریخی) مرتبط با قلعه مورد بررسی قرار گرفته تا شناخت صحیحی از الگوهای فضایی و دیگر موارد مرتبط حاصل شود. در همین راستا تحلیل‌های صورت گرفته با در نظر گرفتن مواردی همچون سلسله مراتب فضایی، عدالت کاربردی، جهت‌گیری ساختمان و الگوهای کالبدی صورت گرفته است.

سلسله‌مراتب فضایی به معنای ترتیب و جای‌دهی فضاها در یک ساختار یا محیط به گونه‌ای است که نشان‌دهنده اهمیت، نقش، یا ارتباط هر فضا با سایر فضاها باشد. این مفهوم در معماری، طراحی شهری و حتی در سازمان‌دهی فضاهای داخلی کاربرد دارد و می‌تواند به ایجاد نظم، انسجام، و هدایت در یک محیط کمک کند (سروش و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۸۹-۱۵۴). برخی از جنبه‌های مهم سلسله مراتب فضایی عبارتند از؛ جای‌دهی فضاها، ارتباط فضایی، ایجاد محرمیت، هدایت و نظم، تأثیر بر هویت فضا (B2n.ir/en8892). در مجموع، سلسله‌مراتب فضایی یک مفهوم مهم در طراحی است که به ایجاد یک محیط سازمان‌یافته، هماهنگ و مناسب برای نیازهای کاربران کمک می‌کند.

عدالت کالبدی در معماری به معنای طراحی و ساخت فضاهای شهری و معماری است که برای همه مردم، بدون در نظر گرفتن وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و یا هر عامل دیگری، دسترسی مساوی به امکانات و خدمات فراهم کند، اشاره دارد. این مفهوم بر این اصل تأکید دارد که تمام افراد حق دارند از محیطی ایمن، سالم و مناسب برای زندگی، کار و تفریح برخوردار باشند. عدالت کالبدی در معماری به دسترسی مساوی، طراحی مشارکتی، جلوگیری از تبعیض، ایجاد فضاهای عمومی با کیفیت و تسهیل دسترسی اشاره دارد. در معماری، عدالت کالبدی به معنای ایجاد فضاهای شهری و

ساختمان‌هایی است که نه تنها از نظر زیبایی‌شناختی زیبا باشند، بلکه از نظر عملکردی و اجتماعی نیز عادلانه و متناسب با نیازهای همه افراد جامعه باشند (ن.ک: نظرپور و همکاران، ۱۳۹۴: ۵).

جهت‌گیری ساختمان‌ها در معماری اسلامی و ایرانی در نتیجه عوامل گوناگون متفاوت شده است. یکی از جهت‌های مرسوم، جهت شمال شرقی-جنوب غربی است که رو به قبله دارد. قبله جهتی است که برخی اعمال عبادی و غیرعبادی روبه آن انجام می‌شود. از قبله و احکام آن در باب‌های مختلف فقه مانند نماز، ذبح، دفن میت و حج سخن به میان می‌آید. هر یک از پیروان ادیان الهی قبله‌ای دارند؛ قبله مسلمانان کعبه، قبله یهودیان صخره بیت المقدس و قبله مسیحیان سمت مشرق است. در فقه شیعه انجام برخی از اعمال روبه قبله واجب، حرام، مستحب و مکروه است؛ مانند اینکه خواندن نماز روبه قبله واجب و تخلی روبه قبله حرام است. فلسفه قبله وحدت و انسجام مسلمانان معرفی شده است. برای تشخیص قبله راه‌هایی ذکر شده است (B2n.ir/kj5761). جهت‌گیری به قبله یا تعیین جهت مکه (قبله) با استفاده از ابزارهای مختلفی امکان‌پذیر است. این ابزارها شامل قطب‌نما، نقشه‌ها، و حتی ساعت مچی هستند. با استفاده از این ابزارها، مسلمانان می‌توانند به درستی جهت قبله را تعیین کرده و نماز خود را به سمت آن بخوانند (B2n.ir/fz4301).

الگوهای کالبدی به معنای شکل و ساختار فیزیکی یک منطقه، مانند شهر یا روستا، و نحوه چیدمان فعالیت‌های انسانی در آن، نظیر مسکن، کار، تجارت و زیرساخت‌ها است. به عبارتی، الگوهای کالبدی نشان می‌دهند که چگونه انسان‌ها فضا را سازمان‌دهی می‌کنند و از آن استفاده می‌کنند. در این زمینه، دو نوع اصلی الگوی کالبدی وجود دارد؛ الف) الگوی گسترش افقی ب) الگوی شهر فشرده. الگوهای کالبدی بر اساس عوامل مختلفی شکل می‌گیرند، از جمله تاریخ، اقتصاد، سیاست و فناوری. در یک بافت شهری، الگوهای کالبدی می‌تواند شامل مناطق با تراکم بالا، مناطق با پراکندگی کم و مناطق در حال توسعه و تغییر باشد (ن.ک: قرخلو و زنگنه شهرکی، ۱۳۸۸: ۴۰-۱۹).

تحلیل داده‌ها (تعامل دین، محیط، اقتصاد و فناوری)

انسجام درون شهری

در حوزه انسجام درونی، آیات متعددی در قرآن بیان شده است. خدای تعالی در جایی در مورد واحد بودن امت می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون؛ این شریعت شما است شریعتی یگانه و من پروردگار شما هستم، مرا بپرستید» (انبیاء: ۹۲). یا در خصوص رفع اختلاف می‌فرماید: «وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيهِمْ يَخْتَلِفُونَ؛ در ابتدا همه مردم امت واحدی بوده و سپس دچار اختلاف شدند و اگر دستوری از سوی پروردگارت (پیرامون عدم تسریع در مجازات آنان) از پیش صادر نشده بود، میان آنها درباره آنچه اختلاف داشتند، داوری می‌شد» و سپس همه آنها به مجازات می‌رسیدند» (یونس: ۱۹). همچنین در خصوص پرهیز از اختلاف می‌خوانیم: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ و چون کسانی مباشید که پس از آنکه دلایل آشکار برایشان آمد پراکنده شدند و با هم اختلاف پیدا کردند و برای آنان عذابی سهمگین است» (آل عمران: ۱۰۵)؛ «وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ و همه به ریسمان خداوند (قرآن و اسلام)، و هرگونه وسیله وحدت، چنگ زده و متفرق نشوید و نعمت بزرگ خداوند را برخورد، به یاد آورده که چگونه دشمن هم بوده و او میان قلوب شما، الفت ایجاد کرد و به برکت نعمتش، با یکدیگر برادر شدید! و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید که خداوند شما را نجات داد؛ اینگونه، خداوند آیاتش را بر شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید» (آل عمران: ۱۰۳).

از منظر دیدگاه فقهی انسجام مردمی منجر به ایجاد یک نظام ارزشی مشترک، تنظیم رفتارها و روابط اجتماعی، ایجاد یک زبان مشترک، تقویت حس تعلق به جامعه و ارائه راه حل برای اختلافات می‌گردد. از دیگر سو انسجام مردمی منجر به تأمین زمینه لازم برای اجرای احکام فقهی، تأثیرگذار بر تفسیر و تطبیق احکام فقهی، ارائه راه حل برای چالش‌ها، تأمین کننده عدالت اجتماعی و ایجاد یک محیط امن و پایدار در منطقه زیستی خواهد شد (B2n.ir/zj6410).

در فرایند شکل‌گیری و بسط اندیشه اسلامی، مفهوم انسجام امت، جایگاه یکی از مهم‌ترین موضوعات سیاسی، فقهی، کلامی و نحله‌های عرفانی بوده است، در حیات نورانی پیامبر اسلام (ص)، این مسئله در محور تلاش‌ها و آرمان‌های آن حضرت قرار داشته است. ایشان، تلاشی جدی داشتند

تا آتش‌های فتنه و اختلاف و تفرقه را که ریشه در جاهلیت و عصبیت داشت را با سنت و رفتار خویش، خاموش کرده و آنان را به الفت، وحدت و آهنگ و عزم مشترک تبدیل کند. بعد از رحلت رسول گرامی اسلام (ص) مفهوم وحدت امت، به نقطه‌ای محوری و شاخص بدل گردید و مرکز ارزیابی‌های فردی و اجتماعی صاحبان نحله‌های اسلامی شد که در آن، نزاع‌هایی نظری و عملی پدیدار شد (نک: نوایی، ۱۳۸۶: ۳۲-۴).

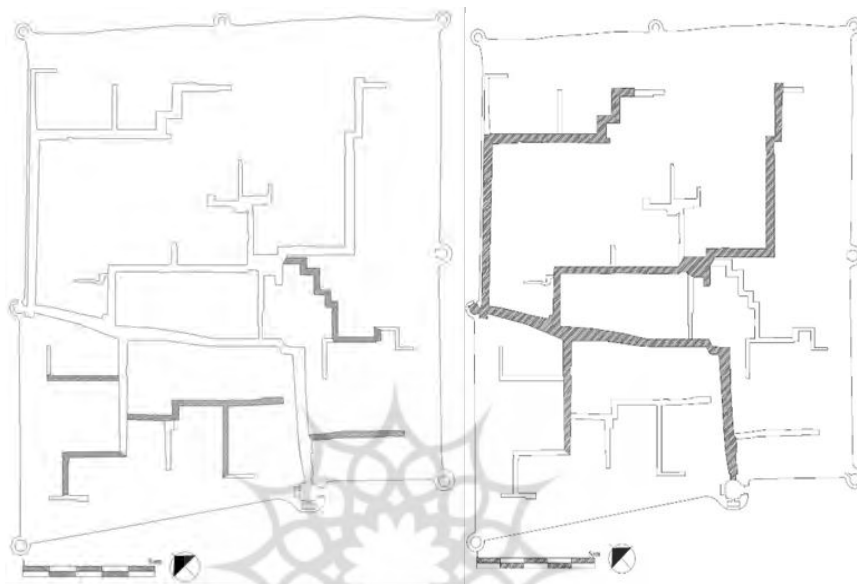
در حوزه سازوکار تبدیل این اخلاقیات به الگوهای بکار گرفته شده در سبک فضایی و زندگی، درحوزه احادیث و روایات نقل‌های بسیاری درخصوص همبستگی میان افراد جامعه مطرح شده است؛ رسول خدا (ص) فرمودند: «الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَالْفُرْقَةُ عَذَابٌ؛ وحدت مایه رحمت و تفرقه موجب عذاب است» (پاینده، ۱۳۸۲: ۴۳۳). همچنین امیرالمومنین (ع) فرمودند: «ایاکم و التفرق فإذا نزلتم فانزلوا جمیعاً و إذا ارتحلتم فارتحلوا جمیعاً؛ از تفرقه و جدایی بپرهیزید، سپس هرگاه در جایی فرود آمدید، همگی فرود آیید و هرگاه کوچ کردید، با هم کوچ کنید» (نک: شریف رضی، ۱۳۷۹: ۱۱).

همان‌گونه که از آیات مذکور و روایات شریف مشخص است، همواره مسلمانان به سمت و سوی اجتماع و تشکیل جامعه واحد ترغیب شده‌اند. بی‌شک واژه امت از مصادیق آشکار چنین اندیشه‌ای بوده است. امت می‌تواند به مجموعه‌ای از انسان‌ها اطلاق گردد که هدف و مقصد واحدی آنان را گرد هم جمع کرده باشد، لذا مرز میان امت‌ها می‌تواند مرزی عقیدتی باشد. بنابراین همه آنان که بر محور توحید، نبوت و معاد متمرکز شده‌اند، تشکیل دهنده امت واحد اسلامی هستند. از دیدگاه اسلامی امت مهمترین ملاک تقسیم‌بندی جوامع بشری است. از جلوه‌های بارز این مفهوم در فضاهای مسکونی گذشته به ویژه مصداق مورد مطالعه پژوهش (مورچه‌خورت)، موارد متعددی قابل مشاهده است. از نظر اسناد شهری این مفهوم را می‌توان در اماکنی از این منطقه مشاهده کرد.

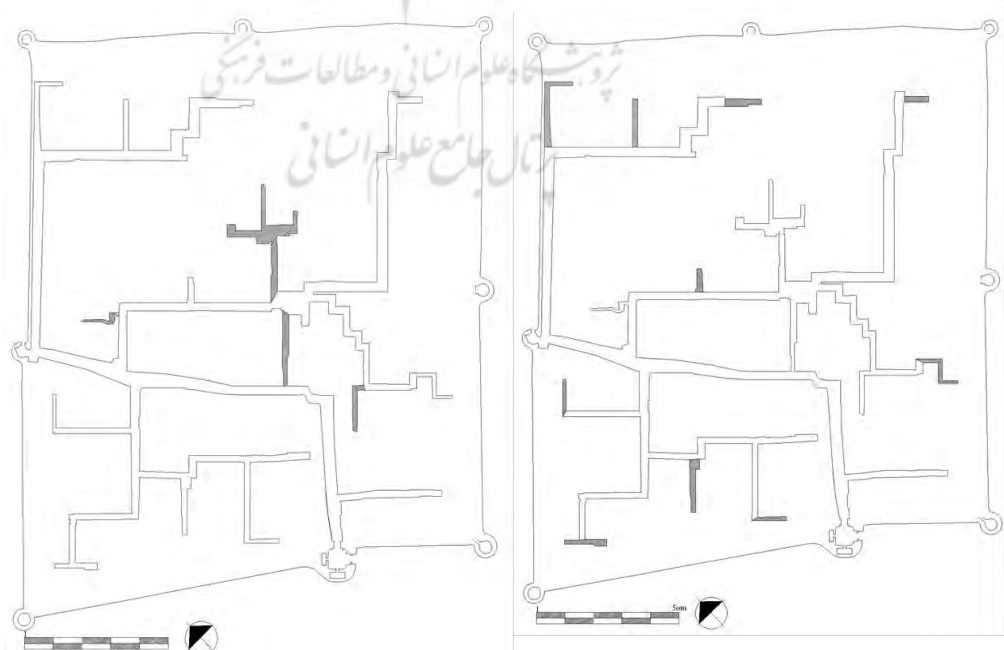
الف) نبود فضای باز وسیع: بررسی بافت مسکونی درون شهری مورچه‌خورت نشان می‌دهد که فضای باز و بدون استفاده‌ای در آن وجود نداشته (تصویر ۱) و در نتیجه انسجام فضاهای درون‌شهری، به شکل یک کل واحد در آمده است. این مسئله می‌تواند تجسمی معمارگونه از وحدت و یکپارچگی جامعه اسلامی و تمهیدی در راستای تقویت این مفهوم بوده باشد.

ب) وجود معابر کم عرض و فشرده: بر اساس عواملی همچون مبدأ و مقصد راه، عملکردهای راه، عناصر شهری مجاور، نوع دسترسی و ابعاد راه، می‌توان معابر درون شهری مورچه خورت را به دسته‌های چندی تقسیم کرد؛ معابر درجه ۱: این معبرها مبدأ و مقصد روشنی داشته و عمدتاً از دروازه‌های شهر آغاز و به مرکز شهر (محور بازار) منتهی می‌گردند. عناصر مهم شهری مانند: مساجد، بناهای عام المنفعه و بازارچه‌ها جنب این معابر قرار گرفته و عمدتاً از طریق این معابر دسترسی به آنها امکانپذیر است. به جهت مبدأ، مقصد و نوع کارکرد، کف این راه‌ها با قلوه‌سنگ مفروش گردیده که حدود ۳ الی ۴ متر دارای عرض هستند. بخش‌هایی از این معبرها پوشیده و بخش‌هایی روباز است. این معابر موجب تمایز محله‌های شهر شده و بخشی از آن، تشکیل دهنده بازار شهر بوده که محله‌های اصلی و دیگر فضاها را به هم متصل می‌کنند. معابر درجه ۲: این معابر بین معابر درجه یک قرار می‌گیرند و نقش اتصال دهنده بین آنها را ایفا می‌کنند. این معبرها عمدتاً دارای عملکرد درون محله‌ای بوده و محله‌ها را به بلوک‌های مختلفی تقسیم کرده است. به واسطه این معابر می‌توان دسترسی بیشتری به محلات مسکونی یافته و از معابر درجه یک به محل‌های دیگر رفت. با توجه به عملکرد این معابر که واسطه دسترسی به محله‌های مسکونی و معابر درجه یک هستند، ابعاد، شکل و تناسب‌های این معابر به گونه‌ای است که متناسب عملکردهای فوق است؛ به این صورت که از جهت عرض، در حدود ۲ تا ۲/۵ متر کمتر است و تناسب‌های آن به شکلی است که اغلب پوشیده و سطوح سایه‌دار زیاده‌تری را فراهم کرده است. معابر درجه ۳: دسترسی به واحدهای مسکونی از عملکردهای این معابر است. معابر درجه ۴: این نوع از جهت بُعد، شکل، محل استقرار و نوع کاربران، دارای ویژگی کاملاً متمایزی از سایر معابر است. مواردی از این معابر با گذر از حیاط یک یا چند خانه به منزل دیگری منتهی می‌شده و در نمونه‌هایی با عبور از آن منزل، دو معبر درجه یک را به یکدیگر متصل کرده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد به غیر از معابر درجه ۱، سایر معابر مورچه خورت عرض بسیار کمی را نشان می‌دهد. این مسئله موجب افزایش برخورد و ملاقات رودروی ساکنان محل گردیده و بدین سبب با ایجاد مجالی جهت دیدار و تعاملات اجتماعی، عامل تأثیرگذاری در تشدید همبستگی و اتحاد ساکنان، به ویژه ساکنان واحدهای مسکونی پیرامون معابر درجه ۳ و ۴ بوده است.

با توجه به ابعاد و درجه معابر هرچه گستره و دایره شمول معابر تنگ‌تر می‌گردد، حلقه اتصال و تعامل اجتماعی ساکنان نیز بیشتر می‌شد (تصویر ۵-۳)



تصویر ۳- نقشه معابر مورچه خورت به ترتیب از راست به چپ معابر درجه ۱ و معابر درجه ۲ (ماخذ: نگارنده اول)



تصویر ۴- نقشه معابر مورچه خورت به ترتیب از راست به چپ معابر درجه ۳ و معابر درجه ۴ (اخذ: نگارنده اول)



تصویر ۵- معابر مورچه خورت به ترتیب از راست به چپ معابر درجه ۱، معابر درجه ۲، معابر درجه ۳، معابر درجه ۴ (ماخذ: نگارنده اول)

ج) الگوی خانواده گسترده: همان‌گونه که در جدول ۱ مشخص است بیش از ۷۹ درصد واحدهای مسکونی مورچه‌خورت دارای بیش از ۶ اتاق و بیش از ۳۹ درصد آن دارای ۱۱ تا ۲۱ اتاق بوده است. این مسئله حاکی از وجود الگوی خانواده گسترده در این مکان بوده است. این الگوی خانوار از یک سو در دایره خانواده و از سویی در گستره جامعه، به عنوان عاملی وحدت بخش، ایفای نقش می‌کرده است.

تعداد اتاقها	۱-۵ اتاق	۶-۱۰ اتاق	۱۱-۱۵ اتاق	۱۶-۲۱ اتاق
درصد پراکندگی	۲۱%	۴۳%	۲۱%	۱۵%

جدول ۱: درصد تعداد اتاق‌ها در واحدهای درون شهری مورچه‌خورت

به نظر می‌رسد که با توجه به ساختار اماکن این منطقه در عین حال که به انسجام درونی و بهم پیوستگی و محدودیتی که ممکن بوده از منظر امنیتی و یا صرفه اقتصادی بوده باشد، در عین حال شاهد توجه به بسط فضا در حوزه درونی کانون خانواده‌ها هستیم.

حسن همجواری

حسن همجواری و تعامل نیکو از آموزه‌های دینی و اسلامی است که در آیات قرآن و روایات تبلور یافته و بدان توصیه شده است: «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ

وَالْمَسَاكِينَ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ؛ خدا را پرستید و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید و به پدر و مادر، خویشاوندان، یتیمان، مسکینان و همسایه فامیل و همسایه غیر فامیل نیکی کنید» (نساء: ۳۶).

از نظر فقهی حسن همجواری به معنی احترام و برخورد نیک با همسایگان در اسلام است. این مفهوم شامل رعایت حقوق و تعاملات مثبت با همسایگان و دوری از هرگونه رفتار نامناسب و مزاحمت است. در فقه اسلامی، حسن همجواری از اهمیت بالایی برخوردار است و به عنوان یکی از فروع مهم دین شناخته می‌شود. از اهمیت‌های حسن همجواری می‌توان به حوزه‌های متعدد آن در محورهای؛ اجتماعی، روانی، اقتصادی و فقهی اشاره کرد. از جنبه‌های مهم حسن همجواری می‌توان به رعایت حقوق همسایگان، تعاملات مثبت، عدم ایجاد مزاحمت و پاسخ به درخواست‌های کمک، اشاره کرد. در مجموع، حسن همجواری یک اصل مهم در اسلام است که به تقویت جامعه، ایجاد آرامش روانی و توسعه اقتصادی کمک می‌کند.

از نظر ساز و کار تبدیل این اخلاقیات به الگوهای بکار گرفته شده در سبک فضایی و زندگی، در روایات و احادیث، نقل‌های فراوانی از معصومین (ع) در این حوزه وارد شده است؛ رسول خدا (ص) فرمودند: «ما آمن بی من بات شعباناً و جاره المسلم جائع؛ هرکس سیر بخوابد در حالی که همسایه مسلمانش گرسنه باشد، به من ایمان نیاورده است» (قمی، ۱۳۵۰: ۱۹۲). امیرالمؤمنین (علی) (ع) در آستانه شهادت، در وصایای ارزشمندی خطاب به فرزندان و پیروانش فرمودند: «اللّٰهُ فِی جِیرَانِکُمْ فَاَنْهَآ وَصِیَہٗ نَبِیْکُمْ مَا زَالَ یَوْصِیْ بِهٖمْ حَتّٰی ظَنَّنَا اَنْهٗ سِیُورِثُہُمْ؛ خدای را خدای را درباره همسایگانتان که این وصیت پیامبر شماست. پیامبر خدا (ص) همواره نسبت به همسایگان سفارش می‌فرمودند، تا حدی که گمان کردیم آنان را از ارث برندگان قرار خواهد داد» (نک: شریف رضی، ۱۳۷۹: ۳۸۰). امام باقر (ع) نیز فرمودند: «حَدَّ الْجَوَارِ اَرْبَعُونَ دَارًا مِنْ كُلِّ جَانِبٍ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ» که مضمون آن حد و حریم همسایگی تا چهل خانه از چهار طرف است (کلینی، ۱۳۹۱: ۶۶۹). با توجه به آیات و احادیث عنوان شده، حسن همجواری و احترام به حقوق همسایگان از مظاهر اندیشه اسلامی و آموزه‌های دینی بوده است. یکی از اولین نشانه‌های این اندیشه، در معماری و نحوه قرارگیری

منازل مؤمنین تبلور یافته است. از نظر اسناد شهری و از جمله نمونه‌های قابل ذکر در بافت شهری مورچه‌خورت، می‌توان موارد ذیل را مورد اشاره قرار داد.

الف) عدم دید: با وجود تراکم شدید ساختمان‌سازی و وجود منازل چند طبقه در فضاهای درون شهری مورچه‌خورت، به طور تقریب اکثر واحدهای مسکونی با در نظر گرفتن جهت، ارتفاع و تعداد طبقات واحدهای مجاور به گونه‌ای طراحی و کنار یکدیگر تعبیه گردیده که کمترین میزان دید را نسبت به سایر واحدهای همجوار داشته باشد (تصویر ۶-۷). جهت نیل بدین مقصود از تمهیدات گوناگونی استفاده گردیده است؛ به عنوان نمونه در یکی از محلات، پلان خانه‌ها شامل یک راهروی روباز در وسط و اتاق‌های دو طبقه پیرامون آن است (تصویر ۸). در برخی از واحدهای چند طبقه که معمولاً قسمتی از فضای طبقات فوقانی آن به بهارخواب تبدیل گردیده و گونه‌ای حیاط خلوت را به وجود آورده، مکان ایجاد بهارخواب به طریقی انتخاب گردیده تا دید چندانی بر منازل اطراف نداشته باشد (تصویر ۹). عدم تعبیه پنجره در اتاق‌های مشرف بر منازل اطراف از دیگر عوامل عدم دید منازل به نسبت یکدیگر بوده است (تصویر ۱۰).

ب) مشترک‌سازی فضا: منظور از آن فضاهای مشترکی است که گاه‌ها در بین ساکنان چند واحد مسکونی همجوار به صورت مشترک مورد استفاده بوده‌اند. از جمله این موارد وجود مطبخ مشترک در بین ساکنان برخی واحدها است؛ بدین شکل که به دلیل تراکم شدید ساختمانی بر روی پشت بام سباباتی که مابین واحدهای مذکور قرار گرفته، مطبخی ساخته شده است. مکان قرارگیری این مطبخ به شیوه‌ای بود که از سویی امکان دسترسی یکسان برای همه واحدها را فراهم کرده و از سویی با توجه به قرار گرفتن آن بر فراز یکی از معابر، ساکنان واحدهای همجوار ادعای مالکیت بر آن نداشته باشند. وجود فضای دسترسی مشترک در قالب ورودی و معبر، از دیگر کردهای مشترک سازی فضا در مورچه‌خورت است؛ بدین شکل که گاه‌ها ورودی چند خانه در یک هشتی واقع شده و از طریق هشتی به کوچه مجاور راه دارد. در مواردی نیز راه دسترسی یک واحد مسکونی درست از وسط حیاط منزل مسکونی همجوار می‌گذشته است.



تصویر ۶- یکی از واحدهای
مسکونی مورچه خورت (ماخذ:
نگارنده اول)

تصویر ۸- یکی از واحدهای
مسکونی مورچه خورت (ماخذ:
نگارنده اول)

تصویر ۷- یکی از واحدهای مسکونی
مورچه خورت (ماخذ: نگارنده اول)



تصویر ۱۰- عدم تعبیه پنجره در
خانه‌های مجاور
(ماخذ: نگارنده اول)

تصویر ۹- بهار خواب یکی از منازل مورچه خورت بدون دید به
خانه‌های مجاور (ماخذ: نگارنده اول)

گرچه حسن همجواری در مواردی اقتضای فضای اختصاصی را دارد با اینحال به علت‌هایی چون؛ رفع نیاز، مشارکت، محدودیت اقتصادی یا محدودیت فضایی، شاهد آن هستیم که از فضاهای مشترک نیز بهره‌گیری شده است.

منطق سازگاری با محیط (محدودیت‌های اقتصادی)

استفاده هنرمندانه، همراه با قناعت و به دور از اسراف، از تمامی ظرفیت‌های موجود، در بهره‌مندی از نعمت‌ها و داشته‌ها در آموزه‌های دینی مورد اشاره قرار گرفته است، این مطلب همچنین در ساختارهای معماری اماکن مذهبی مورد اشاره قرار گرفته شده است؛ «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا...» همانطور که قبله شما، قبله‌ای میانه است، شما را نیز، امت میانه (معتدل میان افراط و تفریط) قرار دادیم، تا بر مردم گواه بوده و پیامبر (ص) نیز بر شما گواه است (بقره: ۱۴۳). لذا اعتدال امت اسلام به سبب اعتدال آیینشان (اسلام) است.

از نگاه فقهی منطق سازگاری با محیط به معنای سازگاری انسان با محیط زیست و نحوه تعامل با آن است. این منطق شامل فهم نحوه تأثیرات انسان بر محیط و همچنین شناخت روش‌هایی برای کاهش این تأثیرات و حفظ محیط زیست است. در این حوزه مواردی چون؛ انطباق پیوسته، تأثیر انسان بر محیط، روش‌های کاهش تأثیرات مخرب، حفظ تنوع زیستی و نقش انسان در حفاظت از محیط، قابل اشاره اند (افشاری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶-۳).

از جهت سازوکار تبدیل این اخلاقیات به الگوهای بکار گرفته شده در سبک فضایی و زندگی، حضرت امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا أَلْهَمَهُ الْإِقْتِسَادَ وَحُسْنَ التَّدْبِيرِ، وَجَبَّهَ سُوءَ التَّدْبِيرِ وَالْإِسْرَافَ؛ زمانی که حق تعالی خیر بنده‌ای را اراده کند، به او صرفه‌جویی و حسن تدبیر عطا کند و از بی تدبیری و اسراف دورش سازد» (محمدری شهری، ۱۳۸۹: ۸)، همچنین امام رضا (ع) می‌فرماید: «القناعة تجتمع إلى صيانة النفس وعز القدر، وطرح مؤن (مؤونه) الاستكثار، والتعبد لأهل الدنيا...؛ قناعت، باعث خویشتن داری و عزت و ارجمندی و آسوده شدن از زحمت زیاده خواهی و (از زحمت) بندگی در برابر دنیاپرستان است» (مجلسی، ۱۳۶۴: ۳۴۹). همچنین از جمله مفاهیمی که در قرآن و کلام اهل بیت مورد تأکید بسیار قرار گرفته، موضوع اسراف است. این

واژه بیش از ۲۳ بار در آیات متعدد قرآن در اشکال مختلف به کار رفته و به معنای هرگونه کوتاهی و زیاده روی و تجاوز از حد اعتدال و گرایش به سوی افراط و حتی تفریط است. پرهیز از اسراف و بیهودگی از ویژگی‌های خاص معماری ایرانی پیش از اسلام است که با طلوع اسلام جلوه بارزتری می‌یابد (پیرنیا، ۱۳۸۶: ۲۸). از نظر اسناد شهری و در ارتباط با مصادیق این مفهوم و مورد مطالعه پژوهش موارد ذیل قابل ذکر است.

الف) تراکم فضا: نگاهی بر بافت درون شهری مورچه‌خورت حاکی از تراکم شدید ساختمانی آن است. بر همین اساس گسترش فضاها بیشتر در جهت عمودی بوده و بیش از ۸۳ درصد واحدها ۲ و ۳ طبقه است (جدول ۲). از طرف دیگر تراکم فضا به قدری بود که در فضای زیرین برخی واحدهای مسکونی نیز فضاهای زیر زمینی ایجاد شده است. به نظر می‌رسد فضاهای مذکور عمدتاً به عنوان انباری مورد استفاده بوده است. از دیگر جلوه‌های تراکم شدید فضایی نبود حیاط در برخی خانه‌ها و یا عدم استفاده از چند حیاط است؛ به شکلی که ۲۹ درصد واحدهای مسکونی فاقد حیاط بوده و منازل ۲ یا ۳ حیاطی در آن دیده نمی‌شود (جدول ۳).

تعداد طبقات	۱ طبقه	۲ طبقه	۳ طبقه
درصد پراکندگی	۲۹٪	۵۴٪	۱۷٪

جدول ۲: درصد تعداد طبقات در واحدهای درون شهری مورچه‌خورت

تعداد حیاط	بدون حیاط	۱ حیاط	۲ حیاط	۳ حیاط
درصد پراکندگی	۲۲٪	۷۸٪	۰	۰

جدول ۳: درصد تعداد حیاط در واحدهای مسکونی درون شهری مورچه‌خورت

ب) فضاهای چند منظوره: منظور از آن فضاهایی است که به طور همزمان چندین عملکرد داشته است. به عنوان نمونه پشت بام اکثر واحدهای مسکونی هم به عنوان محل ذخیره و خشک کردن علوفه و محصولات غذایی مورد استفاده بوده و هم به عنوان مکان استراحت و خواب در شب‌های گرم تابستان مورد استفاده قرار می‌گرفته است. از دیگر نمونه‌ها، حیاط برخی منازل مسکونی است؛ به این شکل که به غیر از کارکرد اصلی خود که همانا تقسیم فضا و امکان دسترسی بود، با تعبیه گودال باغچه

عریض در آن، با توجه به فصول سال از یک طرف مکان تجمع و دفع فاضلاب ناشی از بارندگی بود و از سویی به عنوان محل نگهداری دام و طیور مورد استفاده بوده است (تصویر ۱۱). بسیاری از واحدهای مسکونی فاقد مطبخ مستقل بوده است. در این واحدها بسته به فصل سال معمولاً گوشه‌ای از حیاط یا فضاهایی همچون اتاق و اصطبل مورد استفاده بوده است. ایجاد کارگاه کرباس بافی در گوشه‌ای از اتاق برخی منازل مسکونی نیز مورد جالب توجهی از فضاهای چند منظوره محسوب می‌گردد.



تصویر ۹- استفاده چند منظوره از حیاط در یکی از واحدهای مسکونی مورچه‌خورت (ماخذ: نگارنده اول)

ج) بهینه‌سازی فضا: از جمله مصادیق بهینه‌سازی فضا، تعبیه تعداد زیادی طاقچه و رف در اتاق واحدهای مسکونی به همراه فضای موسوم به کته است. کته حفره‌ای درون دیوار بود که معمولاً جهت نگهداری گندم مورد استفاده قرار می‌گرفت. موارد یاد شده از یک طرف موجب استفاده حداکثری از حداقل فضا شده و از طرف دیگر باعث کاهش وزن دیوارها و میزان مصالح بوده است. استفاده از فضاهای پرت و به ظاهر بدون استفاده از دیگر موارد قابل طبقه‌بندی در این دسته است؛ به این شکل که معمولاً در فضای زیرین پلکان‌های منازل مسکونی چاه آب یا اجاقی تعبیه گردیده (تصویر ۱۲) در مواردی نیز فضای گربه رو مابین پوشش گنبدی خانه‌ها که به منظور مسطح کردن پشت بام به وجود آمده، با تعبیه دریچه‌ای به انباری تبدیل گردیده است (تصویر ۱۳). از دیگر نمونه‌ها، ایجاد طبقات بر روی اکثر معابر فرعی است؛ بدین شکل که فضای فوقانی آن به عنوان اتاق منازل مسکونی مجاور استفاده می‌گردید.

د) ابعاد و مقیاس فضا: بررسی ابعاد واحدهای درون شهری و اجزای فضایی آن همچون حیاط یا اتاق‌ها، حاکی از کاربرد حداقل‌های ممکن بوده است به طوری که از ۳ نظام پیمونی رایج در معماری منازل مسکونی ایران شامل نظام پیمونی بزرگ با ابعاد 48×48 متر، کوچک با ابعاد 32×32 متر و خرده پیمون با ابعاد کمتر از 32×32 متر (پیرنیا، ۱۳۸۲: ۱۶۷-۱۶۶) تمامی واحدهای مورچه خورت در نظام خرده پیمون قرار گرفته‌اند. این مسئله در ابعاد حیاط نیز دیده می‌شوند به گونه‌ای که ابعاد ۷۷ درصد منازل آن کمتر از ۵۰ متر است.



تصویر ۱۳- تبدیل گربه‌رو به انباری در یکی از واحدهای مسکونی مورچه‌خورت (ماخذ: نگارنده اول)



تصویر ۱۲- چاه و اجاق در یکی از واحدهای مسکونی مورچه‌خورت (ماخذ: نگارنده اول)

ه) استفاده متناسب و اصولی از مصالح بوم‌آورد: ۹۷ درصد کل واحدهای درون شهری مورچه‌خورت از مصالح خشت خام ایجاد شده است. این خشت‌ها با استفاده از خاک ریگ‌دار بوم‌آورد محل ساخته شده و از همین‌رو مقاومت بسیار زیادی در برابر عوامل تخریب از خود نشان می‌دهد. در ایجاد پوشش طبقات فوقانی از روش طاق زنی تیغه‌ای یا لاپوش استفاده گردیده است. این امر به منظور سبک‌سازی و کاهش مصرف خشت صورت گرفته است.

صیانت از حریم خصوصی

در آموزه‌های دینی بر حفظ و رعایت حق و حریم شخصی افراد بسیار تأکید شده و علاوه بر توصیه به حفظ آن از هرگونه تجسس در حوزه شخصی افراد به شدت نهی شده است؛ خداوند در قرآن

می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛ ای مؤمنان، داخل نشوید در خانه‌ای که از آن شما نیست، مگر آنکه با صاحبش انس گرفته و پس از آن، به اهلش سلام کنید، اینگونه ورود با اجازه و تحیت، از باب حسن معاشرت و ادب برای شما به مراتب بهتر است، باشد که متذکر شوید» (نور: ۲۷) یا در جایی دیگر می‌خوانیم؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا؛ ای مؤمنان از بسیاری از گمان‌ها (در حق مردم) پرهیز کنید، زیرا برخی از گمان‌ها گناه است، و در اموری که مردم خواهان پنهان ماندنش هستند، پی‌جویی و تفحص نکنید، و از یکدیگر غیبت نکنید» (حجرات: ۱۲). در فقه اسلامی، رعایت حریم خصوصی یکی از اصول مهم حقوقی و اخلاقی است که در آیات و احادیث متعدد تأکید شده است. احکام مربوط به حریم خصوصی از اصول و قواعدی مانند ممنوعیت تجسس، ورود به منازل بدون استیذان، استراق سمع و بصر، سوءظن، غیبت و هتک حرمت به دست می‌آیند (بگدلی و علی اکبری بابوکانی، ۱۳۹۶: ۲۳-۹). تأکید فقه بر رعایت حریم خصوصی، شامل این موارد است؛ ممنوعیت تجسس، ممنوعیت ورود بدون اجازه، ممنوعیت استراق سمع و بصر، ممنوعیت غیبت و هتک حرمت، حرمت خیانت در امانت (B2n.ir/nj4715).

از جهت سازوکار تبدیل این اخلاقیات به الگوهای بکار گرفته شده در سبک فضایی و زندگی، امام حسین (ع) در این مورد فرمودند: «إِنَّ مَن أَحَبَّ أَنْ يَحْفَظَ عَرَضَهُ فَلْيَحْفَظْ عَرَضَ أَخِيهِ؛ هر کس دوست دارد حریم خصوصی خود را محفوظ داشته باشد، باید حریم خصوصی برادر خود را نیز محترم بدارد» (B2n.ir/gn4174). توجه به اصل حریم شخصی و خصوصی و خلوت درون، یکی از اصول اساسی تأثیرگذار بر معماری ایرانی اسلامی بوده و موجب اشاعه درون‌گرایی به عنوان یکی از خصوصیات معماری اسلامی گردیده است.

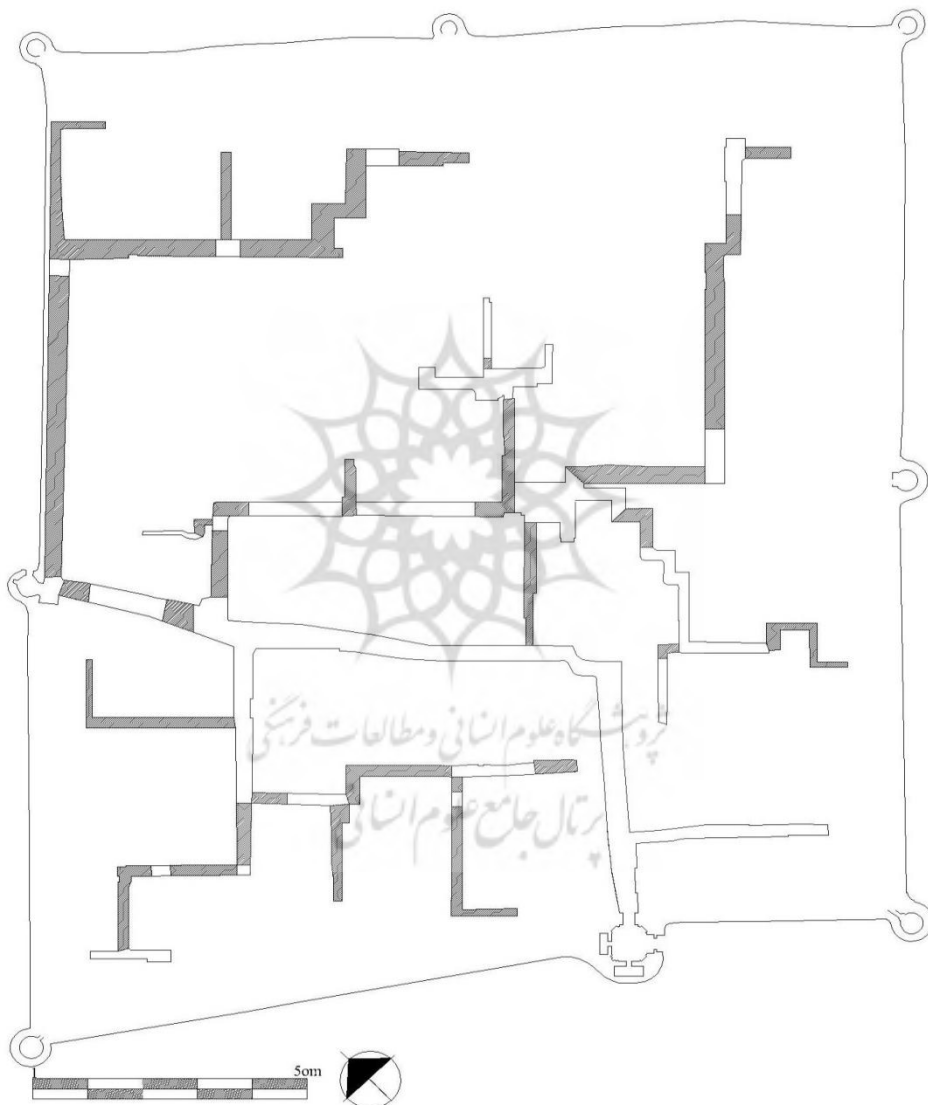
در حوزه اسناد شهری مفهوم حریم خصوصی و سلسله مراتب آن در بافت شهری مورچه‌خورت در دو عرصه خصوصی و عمومی، قابل تعیین و تشخیص است؛ عرصه حریم خصوصی بیشتر در پلان و طراحی منازل در مواردی همچون وجود فضای اندرونی و بیرونی، وجود راهرو، راهروهای پیچ‌دار و هشتی، عدم دید منازل مجاور به واسطه نبود پنجره و شیوه قرارگیری واحدها جلوه‌گر شده و عرصه

عمومی آن در قالب شیوه طراحی بافت کلی شهر و به ویژه معابر آن کردار گردیده است. همان گونه که پیش تر اشاره گردید معابر درون شهری به ۴ دسته جزئی و ۲ دسته کلی شامل معابر اصلی و معابر فرعی قابل تقسیم است؛ معابر درجه ۱ (معابر اصلی) نیمه شرقی و نیمه غربی شهر تفاوت هایی با یکدیگر دارد که از جمله آن ها می توان به موارد ذیل اشاره کرد؛ اگرچه در سطح شهر ورودی خانه ها بیشتر به معابر فرعی باز می شد تا معابر اصلی ولیکن در نیمه غربی سعی بر باز شدن حداقلی ورودی خانه ها به سوی معابر اصلی بوده و اکثریت قاطع ورودی ها به معابر فرعی روی داشته اند. درست برعکس این موضوع در نیمه شرقی ورودی خانه ها به طور یکسانی به معابر اصلی و فرعی راه می یابد. چنین موردی با توجه به کیفیت عمومی تر نیمه غربی نسبت به نیمه شرقی شهر روی داده است؛ بدین شکل که منطقه شرقی با توجه به قرارگرفتن در محدوده دروازه ها، بناهای عمومی و مذهبی و مراکز تجاری عرصه رفت و آمد زیاد ساکنان شهر مخصوصاً مسافران مسیر اصفهان-کاشان و نواحی شمالی بوده و از این رو جهت حفظ حریم خصوصی واحدهای مسکونی، ورودی آنها به سمت معابر فرعی جهت گیری شده است.

دیگر تفاوت های معابر اصلی قسمت شرقی و غربی شهر در نحوه پوشش آن ها دیده می شود. بدین شکل که معابر اصلی نیمه شرقی به جز درصد بسیار اندکی، همگی سرپوشیده بوده و معابر اصلی نیمه غربی به جز معدود قسمت هایی اکثراً روباز بوده است. با توجه به خاصیت کلی معابر سرپوشیده که بر خصلت نیمه خصوصی فضا تأکید کرده و حس وارد شدن به فضاهای مخصوص زیستی را تقویت می کند که منجر به ایجاد حصار ذهنی و منع از ورود افراد بیگانه می شود. می توان این مسئله را ناشی از حریم خصوصی تر نیمه شرقی در مقایسه با نیمه غربی شهر دانست.

از دیگر وجوه تمایز معابر اصلی قسمت های شرقی و غرب شهر آن است که معابر اصلی شرقی برخلاف معابر اصلی غرب که عمدتاً به دروازه های شهر یا سایر معابر راه داشته اند؛ اکثراً بن بست بوده است این مسئله بر پایه تفاوت کارکرد مبداء و مقصد و تفاوت نوع عابرین لحاظ شده و نوعی بازدارندگی بر عبور بیگانگان نیز داشته است؛ چنانچه باعث گیجی و سردرگمی آنها شده و موجبات گمراهی آنها را فراهم کرده است. ویژگی یاد شده امروزه نیز قابل آزمایش بوده و تلاش سازندگان در راستای ایجاد امنیت و حفظ حریم خصوصی قسمت های شرقی را نشان می دهد. از ویژگیهای

شاخص معابر فرعی مورچه خورت پوشیده بودن اکثریت آنها است. بنا به دلایلی همچون ایجاد فضای آسوده جهت حفظ عابرین از تابش خورشید و بادهای نامطبوع، ایجاد حریم خصوصی جهت جلوگیری از ورود بیگانگان و استفاده بهینه و حداکثری از محدودیت فضایی با ایجاد طبقات بر روی آنها، اکثر معابر فرعی پوشیده بوده است (تصویر ۱۴).



تصویر ۱۴- نقشه معابر سرپوشیده و روباز مورچه خورت (ماخذ: نگارنده اول)

توجه عمیق به شعائر الهی

فقه اسلامی با شعائر الهی ارتباط تنگاتنگی دارد. شعائر الهی، نشانه‌های الهی و احکام دینی هستند که در قرآن و سنت نبوی به عنوان نمادهای معنوی و اجتماعی، تأکید شده‌اند. فقها در فقه اسلامی به بررسی و تعظیم این شعائر می‌پردازند و احکام مربوط به آن‌ها را تعیین می‌کنند. انسان‌ها ارادت، علاقه و محبت خود به امور دینی یا مذهبی را در قالب‌های متعددی نشان می‌دهند و این امر می‌تواند در نوع ساختار و فضاهای ساختمانی و شهری تبلور یابد. از نظر سازوکار تبدیل این اخلاقیات به الگوهای بکار گرفته شده در سبک فضایی و زندگی، موارد ذیل قابل ذکراند.

الف) قبله: «قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ؛ ما چرخاندن چهره‌ات را به سمت آسمان می‌بینیم، به یقین تو را به سمت قبله‌ای که آن را بپسندی بر می‌گردانیم، پس رخت را به سمت مسجد الحرام برگردان و شما ای مسلمانان هر کجا که هستید، روی خود را به سمت آن برگردانید» (بقره: ۱۴۴). از نظر اسناد شهری در مطالعه مورد پژوهش، عوامل متعددی در جهت‌گیری آستانه ورودی واحدها، مخصوصاً واحدهای مسکونی نقش داشته‌اند؛ از جمله این موارد عوامل مذهبی و فرهنگی است. به عنوان نمونه جهت جنوب غربی به دلیل رو به قبله بودن در نزد مسلمانان مورد توجه بوده و نوعی برکت و خوش‌یمنی به صاحبان آن خانه می‌داده است؛ بر همین اساس این جهت با ۲۴ درصد بعد از جهت شمال-شرقی بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است.

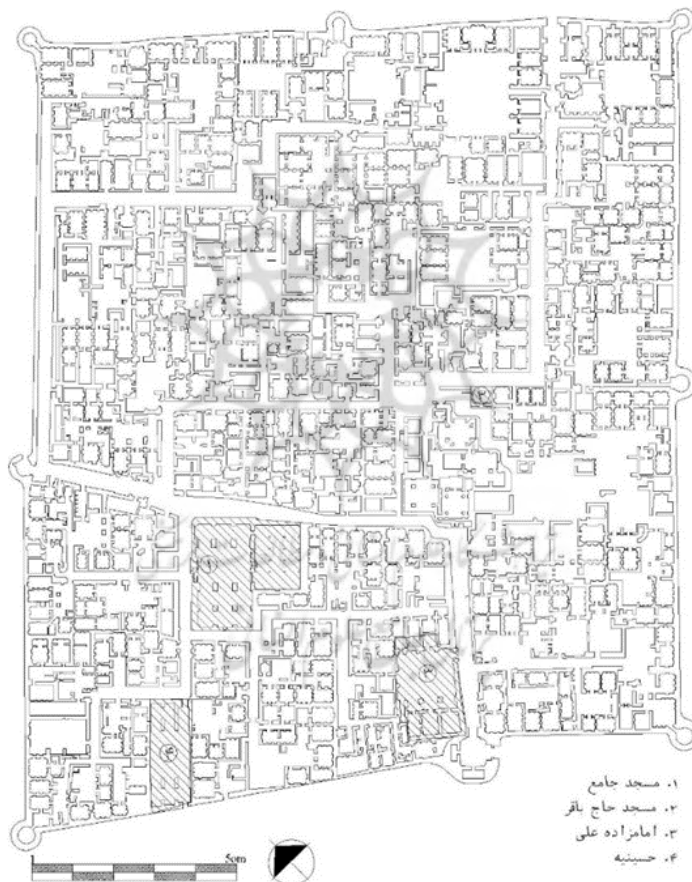
ب) مساجد و اماکن زیارتی: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَى أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ؛ آباد کردن مساجد خداوند، تنها در صلاحیت افرادی است که به خداوند و روز قیامت ایمان داشته و نماز را بر پا کرده و زکاتشان را پرداخت می‌کنند و بجز خداوند از کسی نترسیده‌اند؛ امید است که آنان از راه یافتگان باشند» (توبه ۱۸)؛ «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ از کسانی که از بردن نام خداوند در مسجدها جلوگیری کردند و در خرابیش کوشیدند، چه کسانی ستمکارترند؟ آنان را سزاوار نیست که در آن مراکز عبادت داخل شوند، جز در حالت ترس از انتقام و عدالت خداوند. برای آنان در

این جهان زبونی و خواری و در آخرت عذاب‌ی بزرگ است (بقره: ۱۱۴). وجود بناهای مذهبی همچون مسجد، تکیه و امامزاده در بافت درون‌شهری مورچه خورت و قرارگیری آن در بافت مرکزی و استفاده از مصالح و تزیینات متفاوت در ساخت آن، حاکی از اهمیت ویژه بناهای مذهبی به نسبت سایر واحدها بوده به گونه‌ای که از نظر متغیرهایی همچون مساحت، ارتفاع و ابعاد حیاط، به نسبت سایر بناها برتری چشمگیری داشته است (تصویر ۱۵). شاید یکی از بارزترین جلوه‌های بصری آیین تشیع در بافت شهری مورچه خورت، وجود بنای ایلخانی امامزاده علی در آن باشد. کهن‌ترین سازه موجود در بافت درون‌شهری مورچه خورت، بنای مذکور است. احتمالاً در دوره صفوی به منظور طراحی بافت حصاردار فعلی مورچه خورت، امامزاده علی به عنوان یکی از مهمترین عناصر بافتی مورچه خورت قبل از صفوی، باقی مانده و مکان ساخت شهر جدید را تعیین کرده است. از دیگر موارد تشخیص بنای مذکور در بین سایر بناها، کاربرد تزیینات کاشی‌کاری بر پوشش خارجی گنبد رک آن است که در تباین آشکاری با نماها و پوشش‌های خشتی کلیه فضاها درون شهری قرار داشته و نقشی کلیدی بر تعیین هویت فضایی شهر داشته است.

ج) اسماء و آیات الهی؛ «هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يَسْبَحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ اوست خداوند، آفریننده، نوساز کننده، صورتگر، همه اسمای نیک مختص اوست، آنچه در آسمان‌ها و زمین است همواره تسبیح گوی او هستند، اوست خدای توانای شکست‌ناپذیر حکیم» (حشر: ۲۴)؛ «قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا يَشْعُرُكُمْ أَنَّهُا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ؛ بگو: نشانه‌ها تنها در اختیار خداوند هستند» (انعام: ۱۰۹). تبلور این موضوع را می‌توان در برخی خشت‌های بکار رفته در طاق واحدهای مسکونی مورچه خورت دید، این تزیینات در بردارنده کتیبه‌هایی شامل اسماء الله، اسامی پنج تن، آیات قرآنی و احادیث معصومین (س) است که اشاره مستقیمی به ابعاد اعتقادات ساکنان محل در تقید به اسلام و تشیع و طلب یمن و برکت دارد.

د) تزیینات: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ ای بنی آدم! در هنگام ورود و حضور در مسجد، مزین و آراسته باشید، و بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید، زیرا خداوند اسراف کنندگان را دوست نمی‌دارد (اعراف: ۳۱). با توجه به بررسی‌های صورت گرفته اکثر واحدهای درون شهری مورچه خورت از تزیینات برخوردار بوده است.

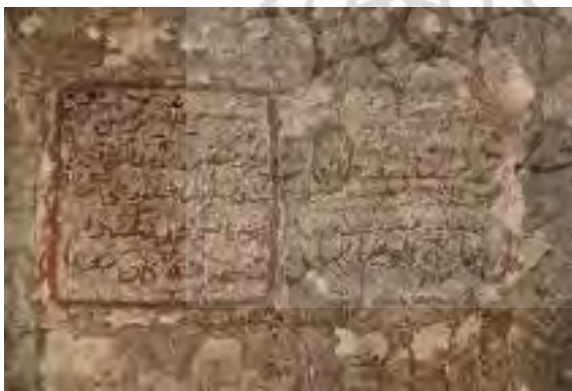
به غیر از تزیینات بکار رفته در واحدهای مذهبی، سایر تزیینات محدود به واحدهای مسکونی می-گردد که خود شامل تزیینات گچبری اطراف بخاری دیواری (تصویر ۱۶) و خشت‌های منقوش بکار رفته در طاق اتاق‌ها می‌شود (تصویر ۱۷) بررسی این تزیینات نشان می‌دهد که در بیش‌تر موارد از یک سو حداقل فضای ممکن در اتاق‌ها تزیین گردیده و از سویی حداقل امکانات فنی و ارزانت‌ترین نوع مصالح استفاده شده است. مکان قرارگیری تزیینات و نوع اشکال و رنگ‌آمیزی آن به شیوه‌ای هوشمندانه انتخاب گردیده تا علاوه بر رعایت اختصار و صرفه‌جویی، تأثیر بصری خاص خود را داشته باشد.



تصویر ۱۵- نقشه پراکندگی واحدهای مذهبی در مورچه خورت (ماخذ: نگارنده اول)



تصویر ۱۶- طرح بخاری دیواری یکی از واحدهای مسکونی مورچه خورت (ماخذ: نگارنده اول)



تصویر ۱۷- نمونه‌ای از طرح و تصویر خشت‌های منقوش در واحدهای مسکونی مورچه خورت

(ماخذ: نگارنده اول)

نتیجه گیری

اگرچه شکل کنونی فضاهای شهری مورچه خورت در نتیجه تأمل و برهم کنش عوامل چندی همچون؛ شرایط محیطی، آب و هوایی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی و دوره های زمانی ساخت قلعه پدیدار شده است ولیکن کلیت فضاها و ساختار شکلی آن بازتاب دهنده روح غالب، قاعده و قوانینی است که همچون چهارچوبی نامریی شکل دهنده تمامی فضاها بوده و هویت و شخصیت ویژه ای بدان بخشیده است؛ هویتی که علیرغم تأثیرپذیری از سبک های متفاوت، ویژگی های دوره ای و شرایط مختلف جغرافیایی، وجوه اشتراک و تشابهات زیادی در آن دیده می شود. این چهارچوب تعیین کننده، بیش از هر چیز می تواند برگرفته از روح، اندیشه و اعتقادات اسلامی بوده و موجب بازشناسی بافت شهری مورچه خورت و سایر سکونتگاه های اسلامی از سکونتگاه های دیگر تمدن ها باشد. با وجود آن- که کاربرد اصول و مصادیق اسلامی متعدد و متنوعی در فضاهای شهری مورچه خورت قابل بازیابی است، ولیکن در این میان ۵ اصل شامل؛ انسجام درون شهری، حسن همجواری، منطق سازگاری با محیط (محدودیت های اقتصادی)، صیانت از حریم خصوصی و توجه عمیق به شعائر الهی از جمله شاخص ترین موارد قابل دستیابی و ترسیم است. از مصادیق انسجام درون شهری، نبود فضای باز وسیع، معابر کم عرض و فشرده و الگوی خانواده گسترده، از مصادیق حسن همجواری، عدم دید و مشترک سازی فضا، از مصادیق سازگاری با محیط، تراکم فضا، ابعاد فضا و بهینه سازی فضا و وجود فضاهای چند منظوره است. صیانت از حریم خصوصی در دو عرصه خصوصی، شامل شیوه طراحی و پلان واحدهای مسکونی و عرصه عمومی، شامل شیوه طراحی بافت کلی شهر و معابر آن، تبلور یافته است. جهت گیری واحدهای مسکونی به سمت قبله، وجود و غلبه بصری بناهای مذهبی در بافت شهری و چگونگی تزیینات از منظر مکان کاربری، کمیت، کیفیت و نوع محتوا، می تواند از مصادیق توجه عمیق به شعائر الهی در نظر گرفته شود.

کتابنامه

قرآن کریم

ابن رسته، احمدبن عمر رسته (۱۳۶۵ش). الاعلاق النفیسه، ترجمه و تعلیق دکتر حسین قره چانلو، تهران، امیرکبیر.

ابن فقیه، ابی بکر احمدبن محمد (۱۳۴۹ق). ترجمه مختصر البلدان (بخش مربوط به ایران)، ترجمه ح- مسعود، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.

احمدی، عباسعلی (۱۳۸۵ش). «بررسی کاروانسراهای ناحیه شمال اصفهان»، اثر، ش ۴۱ و ۴۰، ص ۹۵-۸۲. الاصفهانی، محمد مهدی بن محمد رضا (۱۳۶۸ش). نصف جهان فی تعریف اصفهان، به تصحیح منوچهر ستوده، تهران، امیرکبیر.

انه، کلودف (۱۳۶۸ش). خاطرات سفر کلودانه در آغاز مشروطیت، ترجمه ایرج پروشانی، تهران، معین. افشاری، محسن؛ پوردیهیمی، شهرام؛ صالح صدق پور، بهرام (۱۳۹۴ش). «سازگاری محیط با روش زندگی انسان (یک چارچوب نظری، یک مطالعه موردی)»، مسکن و محیط روستا، ش ۱۵۲، صص ۱۶-۳. باقری، اشرف السادات (۱۳۸۶). نظریه‌هایی درباره شهرهای قلمرو فرهنگ اسلامی، تهران، امیرکبیر. بگدلی، علی؛ علی اکبری بابوکانی، احسان (۱۳۹۶ش). «بررسی فقهی و حقوقی ورود دولت به حریم خصوصی»، مطالعات حقوق بشر اسلامی، ش ۱۶، صص ۹-۳.

پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲ش). نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) تهران، بی‌نا.

پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۲ش)، آشنایی با معماری اسلامی ایران، تدوین غلامحسین معماریان، تهران، دانشگاه علم و صنعت، ج ۷.

سروش، محمد مهدی؛ ازنب، مریم؛ هنرور، جمال الدین؛ طاهری سرمد، فائزه و سروش، محمد مهدی (۱۴۰۱ش). «بررسی سلسله مراتب فضایی در ایجاد محرمیت خانه‌ها با رویکرد گونه شناسی تاریخی (خانه‌های بافت تاریخی کرمانشاه)»، برنامه ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، ش ۲۳، صص ۱۸۹-۱۵۴.

شاردن، ژان (۱۳۳۶ش). سیاحتنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، تهران، امیرکبیر.

شریف رضی، محمد (۱۳۷۹). نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور.

عثمان، عبدالستار محمد (۱۳۷۶). مدینه اسلامی، ترجمه علی چراغی، تهران، امیرکبیر.

علامه طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۸ش). شیعه در اسلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

قرخلو، مهدی؛ زنگنه شهرکی، سعید (۱۳۸۸ش). «شناخت الگوی رشد کالبدی- فضایی شهر با استفاده از مدل‌های کمی مطالعه موردی: شهر تهران»، جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، ش ۲، صص ۴۰-۱۹.

- قمی، شیخ عباس (۱۳۴۴ق). سفینه البحار، تهران، دار الاسوه.
- قمی، عباس (۱۳۵۰ش). مشاهیر دانشمندان اسلام، ترجمه: محمدجواد نجفی از کتاب الکنی و الالقاب، تهران، کتاب فروشی اسلامیة.
- کاوا، فورو (۱۳۸۴ش). سفرنامه فوروکاوا، ترجمه دکتر هاشم رجب زاده و کیچی نه اورا، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۱ش). الکافی، تهران، دارالکتاب الاسلامیه.
- کوننو، پائولو (۱۳۸۴ش). تاریخ شهرسازی جهان اسلام، ترجمه سعید تیز قلم زنوزی، تهران، شرکت عمران و بهسازی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۴ش). بحارالانوار، ج ۷۸، تهران، اسلامیة.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۹ش). میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، موسسه فرهنگی دار الحديث.
- موسوی گیلانی، سید رضی (۱۳۹۰ش). درآمدی بر روش شناسی هنر اسلامی، تهران، نشر ادیان و مدرسه ایلامی هنر.
- مستوفی حمدالله بن ابی بکر بن محمد بن نصر مستوفی قزوینی (۱۳۶۲ش). نزهة القلوب، به اهتمام و تصحیح گای لسترنج، تهران، دنیای کتاب.
- محمدی، مهدی؛ مقدادیان، عادل (۱۴۰۱ش). «مبانی کلامی فلسفی تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، فصلنامه علم و تمدن در اسلام، ش ۱۱، ص ۹۹-۸۰.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴ش). اخلاق در قرآن، تحقیق و نگارش: محمدحسین اسکندری، ج ۲، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مهدی نژاد، سید رضا (۱۴۰۱ش). «جایگاه و نقش حوزه علمیه در تمدن سازی اسلامی در دوره معاصر»، پژوهش نامه علوم انسانی اسلامی، ش ۱۷، صص ۴۲-۲۵.
- میرزا مهدی خان استر آبادی (۱۳۴۱ش). جهانگشای نادری، به اهتمام سید عبدالله انور، تهران، انجمن آثار ملی.
- نژاد ابراهیمی، احد؛ فرشچیان، امیر حسین (۱۳۹۳ش). «رابطه اخلاق و فناوری در معماری برای جامعه اسلامی»، پژوهش های معماری اسلامی، ش ۴، صص ۱۳۱-۱۱۴.

نوایی، علی اکبر (۱۳۸۶ش)، «انسجام اسلامی از منظر امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری»، پژوهش‌های اجتماعی اسلام، ش ۶۷، ص ۳۲-۴.

نظرپور، محسن؛ شمس کیانی، علیرضا و بابایی، علیرضا بابایی (۱۳۹۴ش). «کاربرد فناوری‌های نوین در بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری»، سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری»، صص ۱۵-۱.

نجم‌الملک، حاج عبدالغفار (۱۳۴۱ق). سفرنامه خوزستان، تهران، مؤسسه مطبوعات علمی.

وبسایت بیتوته؛ B2n.ir/gn4174

وبسایت پایگاه علمی فرهنگی اعتقادی الشیعه: B2n.ir/mz9554

وبسایت جنت المهدی؛ B2n.ir/nf8455

وبسایت جهان شیمی؛ B2n.ir/fz4301

وبسایت سیویلیکا؛ B2n.ir/en8892

وبسایت سیویلیکا؛ B2n.ir/zj6410

وبسایت ویکی پدیا، دانشنامه آزاد؛ B2n.ir/uu1521

وبسایت ویکی شیعه، دانشنامه مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)؛ B2n.ir/kj5761

وبسایت ویکی شیعه؛ B2n.ir/ph7302

وبسایت ویکی فقه؛ B2n.ir/nj4715

